

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۰۳ نومبر ۲۰۱۷

ترجمه السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۷

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة یازدهم

آنست: که قرآن کلام خداست نامخلوق. زیرا که قرآن سخن خداست عزوجل به حقیقت نه به مجاز. و کلام خدای صفات خداست عزوجل. هر که راضی آفریده بود، آن نیز آفریده بود. پس هر که قرآن را آفریده گوید کافر شود بخدای عزوجل. زیرا که قرآن، سخن خداست و مخلوق نبیند. که عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کند که رسول علیه الصلاة والسلام گفت: أَلْقُرْآنُ كَلَامُ اللَّهِ غَيْرُ مَخْلُوقٍ وَمَنْ قَالَ مَخْلُوقٌ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ. گفت قرآن کلام خداست عزوجل نامخلوق، و هر که گوید مخلوقست کافر شود. و سیصد تن از تابعین و مقدمان دین گفتند: که هر که قرآن را مخلوق گوید او کافر است. روایت کنند: از ابوحنیفه رحمه الله علیه که گفت: که هر که قرآن را مخلوق گوید آن کافر است به خدای عزوجل. هر که وقف کند اندرین، آن نیز از ایشان باشد، و آنرا وفقی گویند. و هر که گوید: نه مخلوق گویم و نه نامخلوق، بدتر از آن باشد که مخلوق گوید.

وسفیان ثوری رحمه الله علیه گفت: مثل وقفیان چون مثل ترسایانست که ایشان سه گروه شدند: یک گروه گفتند: که از عیسی مرده زنده کردن دیدیم، و مرده زنده کردن کار خداست عزوجل آن را خدا می گویم. و گروه دیگر گفتند: بندگان کردن هم دیدیم، بنده گویم.

و گروه سوم گفتند: خدائی از آن دیدیم: چون مرده زنده کردن، و نابینا بینا کردن، و پیر را نیکو کردن، و از گل مرغ ساختن و پرانیدن. و چیزهای دیگر. و بندگان کردن هم دیدیم: چون نماز کردن و طاعت و خیرات و غیر آن، نه خدای گوئیم و نه بنده، و اقی نیز همین می گوید.

و بدانکه: همه کتابهایی که خدای عزوجل به پیغمبران فرستاد صلوات الله علیهم اجمعین: صدوچهارده کتاب بود: پنجاه صحیفه شیت ابن آدم را بود صلوة الله علیهما. و سی صحیفه ادریس را بود علیه الصلاة والسلام، و بیست صحیفه ابراهیم خلیل را بود صلوة الله علیه، ده صحیفه موسی را بود علیه الصلاة والسلام، پیش از توریة، و توریة نیز به موسی کلیم الله

فرستاد. وانجیل رابه عیسی روح الله فرستاد ۲۹ وزبور به داؤد فرستاد و فرقان به محمد رسول الله فرستاد صلوة الله والسلام عليهم اجمعين.

واين همه كا ياد كرديم، كلام وصفت ويست نامخلوق وناآفريده وهركه مخلوق گويد آن كافر است به خدای تعالی، ودر لعنت خدای عزوجل باشد.

وانس بن مالك رضی الله عنه روايت كند: كه رسول عليه الصلاة والسلام گفت: كه قرآن كلام خدايست ووحی و تنزِيل اوست. وهركه گويد: مخلوق است آن كافر بود واز مسلمانی بيزار است.

وابوهريره رضی الله عنه روايت كند: كه رسول عليه الصلاة والسلام گفت: هر كه بگويد: كه قرآن مخلوقست آن مؤمن نیست. و سلمان فارسی رضی الله عنه گفت: كه رسول عليه الصلاة والسلام گفت: كه قرآن كلام خدايست عزوجل، مخلوق نیست وهر كه جز اين گويد آن كافر است.

ابوسليمان روايت كند از محمد حسن كه آن گفت: كه هر كه گويد كه قرآن مخلوقست از پس وی نماز مكنيد! وبه عيادت وی مرويد! واز پس جنازه وی مرويد!

ابوذر رضی الله عنه روايت كند : كه رسول عليه الصلاة والسلام گفت: كه قرآن كلام خدايست عزوجل ، هر كه گويد مخلوقست، آن از اهل دوزخ است، مگر باز گردد و توبه كند.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گويد: كه رسول گفت عليه الصلاة والسلام: كه قرآن كلام خدايست عزوجل. هر كه مخلوق گويد، آن مغ است مگر توبه كند.

ومعاذ گفت رضی الله عنه از رسول صلى الله عليه وسلم: كه هر كه قرآن را مخلوق گويد من از وی بيزارم.

وسعد ابن (ابی) وقاص گويد رضی الله عنه كه رسول گفت عليه الصلاة والسلام: كه قرآن كلام عزيز غفار است، هر كه گويد كه مخلوقست دست وپای وی وزبان آن خشك گردد.

وعبدالرحمان بن عوف رضی الله عنه روايت كند كه رسول عليه الصلاة والسلام گفت: كه هر كه گويد قرآن مخلوقست آن دهري باشد.

وابوعبيده بن جراح گفت رضی الله عنه كه رسول گفت صلى الله عليه وسلم: كه قرآن كلام حی قيوم است. هر كه گويد مخلوقست آن مسلمان نبود.

ويحيى ابن اكثم گويد: كه هر كه گويد كه قرآن مخلوقست چنانستی كه گويد: كه خدای مخلوقست وآن كافرو زنديق است. وهب ابن منبه گويد: من چهل كتاب خواندم، از ان كتابهایی كه حق تعالى بر چهل پيغمبر فرستاده بود. هر كه يك حرف از ان كه به پيغمبران فرستاده گويد مخلوقست، بالله كه آن از كافرانست. واز خلفاء هيچ كس قرآن را مخلوق نگفتند مگر مأمون، كه آن قرآن را مخلوق گفت و علماء آن را منع كردند، فايده نكرد.

احمد بن حنبل رضی الله عنه نزديك آن شد وحجتها ودلائل بگفت قبول نكرد وگفت: اگر تو قرآن را مخلوق نگوئی، گردنت بزخم، احمد حنبل گفت: ای خليفه! سه روز مهلت ده، گفت: دادم. بعد از سه روز احمد حنبل را مأمون طلب كرد واحمد حنبل گفت: خليفه را بگوئيد كه مشغولم. اگر پرسند كه بچه مشغولست؟ بگوئ: سورة اخلاص سه روز بيمار بود و اين ساعت فرمان يافت و مادر تجهيز ودفن آن مشغوليم. قاصدگفت: سورة اخلاص چگونه بميرد؟ احمد حنبل گفت: پس خليفه می گويد مخلوقست، پس هر كه مخلوقست بميرد و هلاک شود.

قاصد مر خليفه راگفت: كه احمد چنين می گويد: مأمون ساعتی تفكر كرد وگفت: احمد را بياوريد! احمد حنبل نوحه گران را جمع كرد وبفرمود: تانوحه كنند. مأمون پرسيد: كه اين چه نوحه است؟ گفتند كه احمد حنبل است كه بر سورة اخلاص نوحه می كند. چون مأمون اوبديد، توبه كرد واز آن بازگشت وشيخ احمد را بناوخت.

و آورده اند: که مقری بود در بغداد، در علم قرآن مناظره می کرد، و می گفت: قرآن مخلوقست. و اگر نه خدای عزوجل بر دل من فراموش گرداند. در حال کل قرآن بردل آن فراموش شد، و زبانش خشک شد و جان بداد.

مسأله دوازدهم

آنست: که عذاب گورحق است. هر که منکر شود، معتزلی باشد و ملعون. زیرا که رسول علیه الصلوة والسلام گفت: الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ او حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ. گفت: گور از دوحال بیرون نبود: یا روضه ای باشد از ریاض بهشت یا کنده ای دوزخ.

در خبر است از رسول صلی الله علیه وسلم: که چون سعد را در گور نهادند، گور مر سعد را بفشرد فشردنی که پهلوه اش درهم شد. از بهر آنکه در همه عمر خود یکبار بول جامه آن را پلید کرده بود.

و رسول گفت علیه الصلوة والسلام: که آن افشردن برتر از آن بود که هفتاد بار دوزخ عذاب کنند. یاران همه گریان شدند و گفتند: یا رسول الله! حیلست چیست؟ گفت: هر که هر روز یکبار سوره یاسین بخواند خداوند عزوجل آن را از عذاب گور برهاند.

گفتند: یا رسول الله! اگر کسی یاسین نداد. گفت: سوره اذا وقعت الواقعة بخواند. و اگر نداند سوره الحمد لله بخواند هر روز. خداوند آن را از عذاب گور برهاند.

و رسول علیه الصلوة والسلام گفت: هر که هر شبی سوره تبارک الّذی برخواند، آن را عذاب گور نباشد.

و رسول علیه الصلوة والسلام گفت: که خود را از بول نگاه دارید که بیشتر عذاب گور از بول است.

و رسول علیه السلام گفت: که عذاب گور از سه چیز است:

یکی از غیبت مسلمانان، دوم از سخن چینی کردن سوم خود را از بول نگاه داشتن.

و عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گوید: در معنی قوله تعالى: مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا. گفت: معنی معیشت ضنکا عذاب گور باشد.

در خبر است: که چون فاطمة الزهرا رضی الله عنهما در گذشته شد جنازه آن را شب بیرو آوردند تا چشم نامحرم بروی نیفتد. چون شب درآمد، علی وحسین و ابوذر غفاری رضی الله عنهم چهار گوشه جنازه برداشتند. چون بر سر گور بنهادند، ابوذر غفاری رضی الله عنه گفت: که ای گور! می دانی که در تو کی می سفارند؟ فاطمه زهرا است دختر محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم. خاتون علی مرتضی است. مادر حسن وحسین است. از پیغوله گور آواز آمد: که بوذر! من جای حسب و نسب نیستم. من جای کردار نیستم. هر که در من آید و کردار نیک آرد، مرا مر غزار یابد از مر غزارهای بهشت. و هر که کردار بد آرد مرا کنده ای یابد از کندهای دوزخ.

بدین دلایل که یاد کردیم، دلیل است که عذاب گور حق است. هر که منکر شود مبتدع و هوادار باشد